

اصول گردآوری آمارهای نیروی کار در ایران

صفورا عباسی

معاون دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران

گردآوری اطلاعات از جمعیت فعال اقتصادی، پایه‌ی اطلاعاتی برای میزان و ساختار نیروی کار کشور فراهم می‌آورد. سازمان بین‌المللی کار گردآوری این اطلاعات را از طریق آمارگیری‌های خانواری حائز اهمیت می‌داند و برای ایجاد قابلیت مقایسه‌ی بین‌المللی داده‌ها، اصول و استانداردهایی را پایه‌گذاری کرده و توصیه نموده است که کشورها در گردآوری اطلاعات از این اصول و استانداردها پیروی کنند. شاخص‌های نیروی کار در ایران از طریق اجرای طرح آمارگیری نیروی کار به دست می‌آید که این آمارگیری بر اساس آخرین استانداردهای سازمان بین‌المللی کار طراحی شده است. پس از سیزدهمین کنفرانس بین‌المللی متخصصین آمار کار در سال ۱۹۸۲، به‌منظور راهنمایی کشورها در خصوص مفاهیم و روش‌های آمارگیری نیروی کار، توسعه‌ی برنامه‌های ملی آماری کشورها و تسهیل مقایسه‌ی آمارهای نیروی کار در سطح بین‌المللی، توصیه‌های سازمان بین‌المللی کار در مجموعه‌ای با عنوان «آمارگیری جمعیت فعال اقتصادی، بیکاری و اشتغال ناقص» توسط این سازمان گردآوری شده است.

برای سنجش جمعیت فعال اقتصادی در آمارگیری‌ها، استانداردهای

بین‌المللی سه اصل را مورد توجه قرار می‌دهند، نخست این‌که تعیین شود چه جامعه‌ای باید آمارگیری شود، دوم این‌که فعالیت‌های اقتصادی و غیر اقتصادی تعریف و تعیین شوند و سوم این‌که دوره‌ی زمانی، مقدار فعالیت اقتصادی و اولویت وضع فعالیت برای اجرای این دو اصل مشخص شود.

◆ جامعه‌ی هدف برای سنجش جمعیت فعال اقتصادی

بر اساس توصیه‌های بین‌المللی در آمارگیری‌های خانواری باید نوع جمعیت مورد پوشش مانند جمعیت شهری، روستایی، مؤسسه‌ای و غیر ساکن تعیین شود. همچنین توصیه شده در طرح‌های آمارگیری، حداقل سن افرادی که وضع فعالیت آن‌ها مورد سنجش قرار می‌گیرد، مشخص شود ولی در مورد تعیین حداکثر سن توصیه‌ای نشده است. در سرشماری‌های اخیر، کل جمعیت کشور در چهارگروه زیر تقسیم‌بندی شده‌اند:

◆ خانوارهای معمولی ساکن (که اعضای آن‌ها اغلب دارای رابطه‌ی خویشاوندی با یکدیگر هستند)،

◆ خانوارهای معمولی غیر ساکن (مانند خانوارهایی که در زمان سرشماری در کوچ به سر می‌برند)،

◆ خانوارهای گروهی (مانند دو یا چند

دانشجویی که با هم در یک واحد مسکونی زندگی می‌کنند)،
◆ خانوارهای مؤسسه‌ای (مانند افراد ساکن در پادگان‌ها و پاسگاه‌های نظامی و انتظامی).

در آمارگیری‌های نمونه‌ای خانواری، به‌طور معمول خانوارهای معمولی ساکن و خانوارهای گروهی مورد پوشش قرار می‌گیرند و خانوارهای معمولی غیر ساکن (به‌دلیل نداشتن اقامتگاه ثابت و چارچوب نمونه‌گیری مشخص) و خانوارهای مؤسسه‌ای (به‌دلیل داشتن شرایط و چارچوبی خاص در طرح‌های آمارگیری) مورد پوشش قرار نمی‌گیرند. در آمارگیری نیروی کار ایران نیز، این دو گروه مورد پوشش قرار نمی‌گیرند و جامعه‌ی هدف آمارگیری جمعیت خانوارهای معمولی ساکن و گروهی کل کشور است.

محدوده‌ی سنی تعیین‌شده برای بررسی وضع فعالیت اقتصادی را «سن کار» می‌نامند. در آمارگیری نیروی کار ایران ۱۰ سال به‌عنوان حداقل سن کار در نظر گرفته شده اما حداکثر سن برای سنجش وضع فعالیت تعیین نشده است.

◆ دامنه‌ی فعالیت اقتصادی

مفهوم و مرز فعالیت‌های اقتصادی، برای تفسیر و تحلیل نتایج آمارگیری‌های نیروی کار اهمیت اساسی

اساسی در واحد مسکونی خود انجام می‌دهند،

◆ فعالیت افرادی که به‌عنوان کارآموز، در محل فعالیت اقتصادی مشغول به کار هستند و به‌طور مستقیم در تولید کالا یا خدمات سهیم هستند، حتی فعالیت افراد بدون دریافت مزد و حقوق.

فعالیت‌های زیر کار محسوب نمی‌شود:

◆ فعالیت‌های بدون مزد در خانه برای سایر اعضای خانوار مانند پخت و پز، وظایف خانه‌داری و پرستاری از فرزندان،

◆ خدمات اجتماعی و داوطلبانه بدون مزد مانند کار داوطلبانه در مؤسسات خیریه یا بسیج کار،

◆ تعمیرات جزئی واحد مسکونی خانوار و تعمیر لوازم منزل توسط اعضای خانوار،

◆ سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی بدون مشارکت در مدیریت یا عملیات واقعی آنان مانند دارا بودن سهام.

مصادیق فعالیت اقتصادی نشان می‌دهد، اشتغال افراد برخلاف دیدگاه‌های اجتماعی مطابق با مقولات اقتصادی تعریف می‌شود و جمعیت شاغل به‌طور عمده نشان‌دهنده‌ی تقاضا برای تولید اقتصادی در کشور است و به تنهایی نشان‌دهنده‌ی وضعیت رفاه جامعه نیست. به‌طوری‌که، میزان درآمد، داشتن یا نداشتن محل کار جداگانه، تولید برای خودمصرفی یا فروش و در

می‌دهد. بنا بر این بر اساس توصیه‌های بین‌المللی، مصادیق جداگانه‌ای برای پوشش کامل فعالیت‌های اقتصادی و تمایز آن از فعالیت‌های غیر اقتصادی در طراحی پرسشنامه و راهنمای آمارگیری به کار گرفته شده است تا در گردآوری اطلاعات اشتغال مطابق با تعریف آن دقت لازم به عمل آید. مصادیقی از فعالیت‌های اقتصادی که ممکن است به اشتباه از دیدگاه پاسخگو کار محسوب نشوند عبارتند از:

◆ فعالیت‌های کشاورزی مانند زراعت، باغداری، دامداری، ماهیگیری و پرورش طیور،

◆ فعالیت افرادی که در حال خدمت وظیفه هستند،

◆ فعالیت افرادی که به‌منظور کسب درآمد، در محل سکونت، کارهای خدماتی یا تولیدی نظیر قالی‌بافی، خیاطی، آرایشگری، تایپ، تدریس خصوصی، تعمیر وسایل برقی و نگهداری از کودک یا فرد سالخورده انجام می‌دهند،

◆ فعالیت افراد بدون دریافت مزد، در کسب و کار یکی از اعضای خانوار خود، که با وی نسبت خویشاوندی دارند (کارکنان فامیلی بدون مزد) در کارهایی مانند کشاورزی، دامداری، مغازه‌داری و قالی‌بافی،

◆ فعالیت افرادی که برای مصرف خانوار خود کالاهایی نظیر قالی، گلیم، حصیر و لباس تولید می‌کنند،

◆ فعالیت افرادی که خودشان برای خود خانه می‌سازند یا تعمیرات

دارد. در این آمارگیری‌ها باید مشخص شود چه فعالیت‌هایی، اقتصادی و چه افرادی شاغل هستند. مرز بین فعالیت‌های اقتصادی و غیر اقتصادی امری قراردادی است. متخصصین آمار کار با توجه به رابطه‌ی تنگاتنگ تولید و اشتغال و شاخص‌های اقتصادی حاصل از این دو، مفهوم فعالیت اقتصادی را برای سنجش جمعیت فعال بر اساس تولید کالا و خدمات در سیستم حساب‌های ملی (SNA) بنا نهاده‌اند. بر اساس سیستم حساب‌های ملی سال ۱۹۹۳ هرگونه تولید کالا، فعالیت اقتصادی و در نتیجه اشتغال محسوب می‌شود. در مورد خدمات، فقط خدمات عرضه‌شده به بازار، فعالیت اقتصادی به حساب می‌آید.

از آنجا که داده‌های حساب‌های ملی در ایران مبتنی بر تعاریف، مفاهیم، روش‌های محاسباتی و طبقه‌بندی‌های پیشنهادشده توسط سازمان ملل در سیستم حساب‌های ملی سال ۱۹۹۳ و اصول تجدیدنظرشده‌ی آن است، در طرح آمارگیری نیروی کار ایران نیز، فعالیت اقتصادی، مطابق با تعریف این سیستم تعیین و اشتغال افراد بر اساس همان تعریف فعالیت اقتصادی و با استفاده از واژه‌ی کلیدی «کار» سنجیده می‌شود. بر اساس این تعریف، کار، آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی فکری یا بدنی است که به‌منظور کسب درآمد نقدی یا غیر نقدی صورت می‌گیرد و هدف آن تولید کالا یا ارائه‌ی خدمت است. تعریف کار، تعریفی کلی است و تنها مصادیق مشخص اشتغال را پوشش

برخی موارد دریافت یا عدم دریافت مزد و حقوق و بسیاری ملاک‌های دیگر در شاغل قلمداد کردن افراد نقشی ندارد.

◆ چارچوب سنجش

افراد در دوره‌های زمانی مختلف، از نظر فعالیت اقتصادی، وضعیت‌های مختلفی دارند. وضع فعالیت افراد باید در یک مقطع زمانی معین، سنجیده شود. به‌طور مثال دانشجویان و دانش‌آموزان ممکن است در فصل تعطیلات به فعالیت‌های اقتصادی بپردازند ولی در سایر فصول جزء جمعیت غیر فعال و مشغول به تحصیل باشند، بنا بر این به دلیل تغییر وضعیت افراد باید مشخص شود وضع فعالیت فرد در چه دوره‌ی زمانی مورد سنجش قرار گرفته است.

به دوره‌ی زمانی تعیین شده برای سنجش فعالیت اقتصادی افراد دوره‌ی پایه یا دوره‌ی مرجع گفته می‌شود. دوره‌ی پایه بسته به روش سنجش جمعیت فعال اقتصادی کوتاه‌مدت یا بلندمدت است. استفاده از دوره پایه کوتاه‌مدت منجر به تعیین جمعیت فعال جاری و استفاده از دوره‌ی پایه‌ی بلندمدت منجر به تعیین جمعیت معمولاً فعال می‌شود. استفاده از دوره‌ی زمانی کوتاه مدت، تصویر بسته‌تری از وضع فعالیت نشان می‌دهد. استفاده از مقطع زمانی بلندمدت با پوشش تغییرات فعالیت اقتصادی، تصویر وسیع‌تری از وضع فعالیت ارائه می‌کند اما موجب طولانی شدن پرسشنامه و مشکلات اجرایی می‌شود و با ایجاد خطای یادآوری

پاسخگو بر نتایج طرح تأثیر نامطلوبی دارد. با توجه به این موضوع و همچنین نیاز فصلی کاربران، طرح آمارگیری نیروی کار در ایران بر اساس روش سنجش جمعیت فعال جاری و با بررسی وضع فعالیت افراد در یک دوره‌ی کوتاه‌مدت یک هفته‌ای طراحی شده است. در هر فصل اجرای این طرح، ماه میانی به‌عنوان نماینده‌ی فصل در نظر گرفته شده و یک هفته‌ی تقویمی ثابت به‌عنوان دوره‌ی پایه برای خانوار تعیین می‌شود. با توجه به اندازه‌ی نمونه‌های هر فصل و امکانات اجرایی، در هر ماه طی دو هفته از خانوارهای نمونه‌ی طرح آمارگیری می‌شود. بنا بر این برای بخشی از نمونه‌ها دومین هفته‌ی تقویمی ماه و برای بخش دیگر از نمونه‌ها سومین هفته‌ی تقویمی ماه به‌عنوان دوره‌ی پایه تعیین می‌شود و در حین آمارگیری از خانوار سؤالات مربوط به تعیین وضع فعالیت افراد در هفته‌ی گذشته (دوره‌ی پایه) پرسیده می‌شود. آمارگیری از خانوارهای نمونه در دو هفته و سنجش فعالیت افراد در سن کار در طول دو هفته باعث می‌شود تصویر جامع‌تری از نیروی کار فصل به دست آید.

برای ثبت وضع فعالیت فرد، علاوه بر این‌که دوره‌ی پایه باید مشخص شود چگونگی برخورد با افرادی که در دوره‌ی پایه وضعیت‌های مختلفی دارند نیز باید تعیین شود. استانداردهای بین‌المللی برای تعیین وضعیت افراد در دوره‌ی پایه اصل اولویت را توصیه نموده است. طبق این اصل اشتغال نسبت به بیکاری و

بیکاری نسبت به غیر فعال بودن (غیر فعال اقتصادی) دارای اولویت است. بدین ترتیب، فردی که هم شاغل و هم جویای کار است، در طبقه شاغل قرار می‌گیرد، در حالی که محصلی که هم در مدرسه حضور دارد و هم جویای کار است به‌عنوان بیکار تلقی می‌شود. بنا بر این یکی از قواعد مهم اصل اولویت، این است که همواره اشتغال نسبت به سایر فعالیت‌ها دارای اولویت است. در آمارگیری نیروی کار ایران این اصل لحاظ شده و برای سنجش وضع فعالیت افراد ۱۰ ساله و بیشتر پرسشنامه‌ای جداگانه با عنوان پرسشنامه‌ی فردی طراحی شده است. این پرسشنامه به‌گونه‌ای تنظیم شده است که از تمام افراد در سن کار (۱۰ ساله و بیش‌تر) صرف‌نظر از وضع فعالیت معمول آن‌ها ابتدا در مورد داشتن فعالیت اقتصادی (مطابق با تعریف فعالیت اقتصادی و مصادیق آن) در هفته‌ی مرجع پرسیده می‌شود، افرادی که بر اساس پاسخ این سؤالات، دارای فعالیت اقتصادی تشخیص داده شوند جدا شده و از سایر افراد که دارای فعالیت اقتصادی نبوده‌اند ابتدا معیارهای بیکاری پرسیده می‌شود. افرادی که بر اساس پاسخ به این سؤالات بیکار تشخیص داده می‌شوند جدا و جمعیت باقیمانده تحت عنوان جمعیت غیرفعال، طبقه‌بندی می‌شوند.

علاوه بر لزوم تعیین دوره‌ی پایه و تعیین اصل اولویت، باید در طراحی آمارگیری تعیین شود که یک فرد با انجام چه مقدار کار شاغل به حساب

می‌آید. سیزدهمین کنفرانس بین‌المللی متخصصین آمار کار در اکتبر ۱۹۸۲ معیار یک ساعت کار را به‌عنوان حداقل کار تصویب کرده و برای انجام مقایسه‌های بین‌المللی بر آن تأکید کرده است. با توجه به این‌که کشورهای مختلف در نگاه اول برای پذیرش این تعریف دچار ابهاماتی شده‌اند دلایلی در این خصوص مطرح شده است:

◆ هر فعالیتی که در سیستم حساب‌های ملی (SNA) در محدوده‌ی تولید قرار می‌گیرد، در سنجش اشتغال نیز به‌عنوان کار محسوب می‌شود. از آنجا که ارزش افزوده‌ی کمترین مقدار فعالیت اقتصادی در سیستم حساب‌های ملی منظور می‌شود باید کمترین زمان صرف‌شده برای ایجاد ارزش افزوده نیز در آمارهای اشتغال منظور شود تا رابطه‌ی تولید و اشتغال حفظ شود و شاخص‌های حاصل از آن دو، مانند بهره‌وری از دقت لازم برخوردار باشد. بنا بر این، تعیین این معیار برای به دست آوردن کل فعالیت‌هایی است که منجر به تولید شده‌اند.

◆ دلیل دیگر پیشنهاد این معیار، تعریف بیکاری است. بر اساس تعریف، بیکاری به معنی فقدان کلی کار است و افزایش معیار حداقل یک ساعت کار در تعریف اشتغال، تعریف بیکاری را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و مفهوم آن را تغییر می‌دهد. زمانی که یکی از ملاک‌های بیکار به حساب آمدن فردی،

نداشتن فعالیت اقتصادی در دوره‌ی پایه است، در صورتی که ملاک یک ساعت کار افزایش یابد و به‌طور مثال ۸ ساعت کار ملاک اشتغال قرار گیرد، افرادی که در دوره‌ی پایه کمتر از ۸ ساعت کار کرده‌اند نه براساس تعریف اشتغال، شاغل محسوب می‌شوند و نه بر اساس تعریف بیکاری، بیکار به شمار می‌آیند.

نکته‌ی قابل توجه در این زمینه این است که برای تعریف اشتغال در دوره‌ی پایه ناگزیر باید معیاری لحاظ شود. معیار یک ساعت کار که با دلایل اقتصادی و منطقی از جانب متخصصین آمارهای کار پیشنهاد و توصیه شده است، برای ایجاد قابلیت مقایسه‌پذیری بین‌المللی شاخص‌های نیروی کار است و کشورها باید از این معیار تبعیت کنند. حال در صورتی که این ملاک پذیرفته نشود، انتخاب هر ملاک دیگری سلیقه‌ای خواهد بود و منجر به ناهماهنگی بین آمار کشورها خواهد شد. در حال حاضر اکثر کشورها در آمارگیری‌های نیروی کار خود از معیار یک ساعت کار استفاده می‌کنند. گفتنی است متخصصین آمار کار برای ایجاد امکان تحلیل‌های مناسب آمار اشتغال، پرسش تعداد ساعت کار شاغلان و اندازه‌گیری اشتغال ناقص را پیشنهاد کرده‌اند.

در طرح آمارگیری نیروی کار ایران مطابق با استانداردهای بین‌المللی یک ساعت کار به‌عنوان ملاک اشتغال لحاظ شده و در کنار آن تعداد ساعت کار

شاغلان و اشتغال ناقص نیز مورد سنجش قرار گرفته است.

◆ اشتغال

با توجه به اصول بالا در طرح آمارگیری نیروی کار ایران، تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در طول هفته‌ی مرجع، مطابق با تعریف فعالیت اقتصادی و مصادیق آن، حداقل یک ساعت کار کرده‌اند یا بنا به دلایلی به‌طور موقت سرکار نرفته‌اند (غایب موقت از کار) شاغل محسوب می‌شوند. افراد غایب موقت از کار کسانی هستند که در طول دوره پایه به دلایلی مانند مرخصی، بیماری، تعطیلی، استراحت، مرخصی زایمان، کاهش موقت فعالیت و کمبود مواد اولیه یا سوخت در سرکار حاضر نبوده‌اند.

بر اساس تعریف بین‌المللی اشتغال، فردی که حداقل یک ساعت در طول دوره‌ی پایه دارای فعالیت اقتصادی باشد شاغل است. برای انجام تحلیل‌های مناسب در زمینه‌ی اشتغال، مفهوم اشتغال ناقص از سوی متخصصین آمار کار مطرح شده است. اشتغال ناقص منعکس‌کننده استفاده ناقص از ظرفیت بهره‌دهی جمعیت شاغل است که می‌تواند ناشی از سیستم اقتصاد ملی باشد.

افراد دارای اشتغال ناقص آشکار شامل تمام شاغلینی (مزدگیر یا خوداشتغال) هستند که در دوره‌ی پایه حاضر در سرکار یا غایب از محل کار بوده، به اجبار کمتر از ساعات متعارف در آن فعالیت، کار کرده و در جستجو یا آماده برای انجام کار اضافی در دوره‌ی

پایه‌ی مورد نظر هستند. علاوه بر سنجش جمعیت دارای اشتغال ناقص آشکار، سنجش مقدار اشتغال ناقص نیز توصیه شده است که برابر است با مجموع زمان‌هایی که افراد دارای اشتغال ناقص آشکار، برای اشتغال اضافی آمادگی دارند.

بر اساس توصیه‌های بین‌المللی در کنار استفاده از معیار حداقل یک ساعت کار، در طرح آمارگیری نیروی کار، اشتغال ناقص آشکار (زمانی) و مقدار اشتغال ناقص نیز سنجیده می‌شود. پرسشنامه‌ی فردی آمارگیری نیروی کار به‌گونه‌ای طراحی شده است که از افرادی که بر اساس تعریف فعالیت اقتصادی و مصادیق آن، شاغل شناخته می‌شوند معیارهای اشتغال ناقص، شامل ساعت کار واقعی، ساعت کار معمول، علت کار کمتر از معمول برای تعیین اختیاری یا اقتصادی بودن آن، تمایل و آمادگی برای افزایش ساعت کار، و مقدار اشتغال ناقص با معیار تعداد ساعت کار مورد نظر در هفته پرسیده می‌شود.

◆ بیکاری

طبق تعریف استاندارد بین‌المللی، بیکار به تمام افرادی اطلاق می‌شود که دارای حداقل سن تعیین شده برای سنجش جمعیت فعال اقتصادی بوده و در طول دوره‌ی پایه

(۱) فاقد کار باشند،

(۲) آماده برای کار باشند (یعنی در دوره زمانی مشخص شده برای اشتغال آماده باشند) و

(۳) جویای کار باشند (یعنی اقدامات

مشخصی را به منظور جستجوی اشتغال مزدبگیری یا خوداشتغالی به عمل آورده باشند).

◀ ضابطه‌ی جستجوی کار

جستجوی کار باید جستجوی فعال بوده و نمود عینی داشته باشد تا این معیار تحقق یابد. برای قضاوت صحیح در مورد این که معیار جستجوی کار تحقق یافته یا خیر باید یکی از فعالیت‌های جستجوی کار نظیر ثبت نام در یک مرکز کاریابی، درخواست کار از کارفرما یا سرزدن به کارگاه‌ها توسط فرد انجام شده باشد.

◀ ضابطه‌ی آماده بودن برای کار

این ضابطه به این مفهوم است که در صورت وجود یک فرصت اشتغال، فرد آماده به کار و قادر به انجام آن باشد. با این ضابطه، افرادی که به‌طور فعال در جستجوی کار هستند تا آن را در آینده آغاز کنند یا به دلایلی از قبیل مشکلات خانوادگی، بیماری، تحصیل و ... در حال حاضر آمادگی انجام کار نیستند و درصدی از کل جویندگان فعال کار را تشکیل می‌دهند، از جامعه‌ی بیکاران خارج می‌شوند.

بر اساس استانداردهای بین‌المللی در طرح آمارگیری نیروی کار، افرادی بیکار محسوب می‌شوند که در هفته‌ی مرجع، فعالیت اقتصادی نداشته باشند، در هفته‌ی مرجع و سه هفته قبل از آن در جستجوی کار باشند و طی هفته‌ی مرجع تا یک هفته پس از آن برای شروع کار آماده باشند. همچنین افرادی که به دلیل این که برای آن‌ها کاری مهیا شده و قرار است در آینده کاری را آغاز کنند و دیگر

در جستجوی کار نیستند ولی آماده برای کار هستند نیز بیکار محسوب می‌شوند. در این طرح افرادی که دارای شغلی بوده‌اند و به دلایلی آن را از دست داده‌اند ولی باز هم انتظار دارند به همان کار برگردند و به این دلیل در جستجوی شغل دیگری نبوده‌اند در صورتی که آماده به کار باشند جزء بیکاران به حساب می‌آیند.

پرسشنامه‌ی فردی طرح آمارگیری نیروی کار در ایران به گونه‌ای طراحی شده است که تمام شرط‌های افراد بیکار و اقدامات انجام شده برای یافتن یا مهیا کردن کار با سؤالات متعدد بررسی می‌شود و سپس بر اساس شرایط تعریف، افراد بیکار استخراج می‌شوند. این روش پرسش بر اساس توصیه‌های سازمان بین‌المللی کار در پرسشنامه‌ی فردی لحاظ شده است و پرسش مستقیم در مورد بیکار بودن فرد مردود شناخته شده است.

◆ نتیجه‌گیری

تهیه‌ی آمارهای نیروی کار برای ارزیابی سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها امری ضروری است. از آنجا که اهداف عمده‌ی گردآوری آمار و اطلاعات جمعیت فعال در آمارگیری نیروی کار، اندازه‌گیری منابع انسانی برای تولید اقتصادی است، پایه و اساس تعریف جمعیت شاغل و بیکار که تشکیل‌دهنده‌ی جمعیت فعال هستند، بر اساس مبانی اقتصادی بنا نهاده شده است و این تعاریف ارتباط مستقیم با مبانی محاسبات تولید ناخالص داخلی دارد و عواملی نظیر درآمد و میزان آن، تناسب شغل با تحصیلات یا مهارت‌های

فرد، رضایت فرد از شغل، امنیت شغلی و داشتن یا نداشتن بیمه در تعریف فرد شاغل نقشی ندارد. با توجه به رابطه‌ی تولید و اشتغال، حداقل یک ساعت کار، مطلوب‌ترین ملاک برای تعریف اشتغال است که در حال حاضر توسط اکثر کشورها پذیرفته و به کار گرفته می‌شود. استفاده از این تعریف قابلیت مقایسه‌های بین‌المللی را فراهم می‌آورد. افرادی که شاغل محسوب نمی‌شوند بر اساس تعریف، در گروه بیکاران یا غیر فعالان قرار می‌گیرند. بر این اساس، افرادی بیکار محسوب می‌شوند که اولاً

در گروه شاغلان نباشند، به این معنی که در هفته‌ی مرجع فعالیت اقتصادی نداشته باشند یعنی فاقد کار باشند و در هفته‌ی مرجع یا سه هفته قبل از آن در جستجوی کار باشند، به این معنی که اقدامات مشخصی برای پیدا کردن کار انجام داده باشند و همچنین آماده برای کار باشند به طوری که اگر کاری برایشان پیدا شود ظرف دو هفته یعنی هفته‌ی مرجع و یک هفته بعد از آن آمادگی انجام کار را داشته باشند. بنا بر این صرفاً تمایل فرد به داشتن شغل، داشتن تحصیلات دانشگاهی، رسیدن به سن کار و ... برای بیکار محسوب شدن وی ملاک نیست، بلکه فرد باید فعالانه در جستجوی کار و آماده برای انجام کار باشد.

با توجه به آنچه گفته شد، داشتن یا نداشتن تحصیلات، تناسب شغل با مدرک تحصیلی، داشتن یا نداشتن بیمه، تأمین معیشت و درآمد مناسب، کار درآمدزا، فقط تمایل داشتن به کار و ... هیچ یک ملاک تعیین اشتغال یا بیکاری افراد نیست.

مراجع

هوسمانز، رالف؛ مهران، فرهاد؛ ورما، وی جی (۱۹۸۲). آمارگیری جمعیت فعال اقتصادی، اشتغال، بیکاری و اشتغال ناقص. وزارت کار و امور اجتماعی.

هرندی، فاطمه (۱۳۸۲). اشتغال، اشتغال ناقص و بیکاری، مفاهیم و شیوه سنجش. پژوهشکده‌ی آمار.

هرندی، فاطمه؛ جوادی، مریم؛ عباسی، صفورا؛ یزدانی، افسانه؛ فلاح محسن‌خانی، زهره؛ شمس، صدیقه؛ نورالهی، طه (۱۳۸۱). طرح پیشنهادی برای آمارگیری نیروی کار. پژوهشکده‌ی آمار.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۸). راهنمای مأمور آمارگیری نیروی کار.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۳). حساب‌های ملی ایران (نتایج مقدماتی).

United Nation (2007). Principles and Recommendations for Population and Housing Censuses.